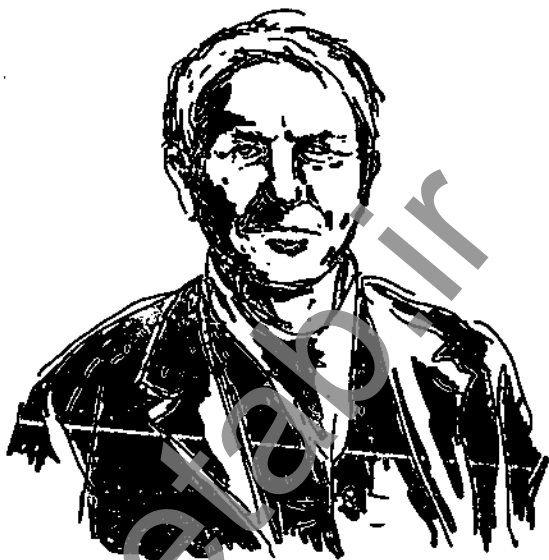


به نام خدای مهربان



آشنایی با
مشاهیر
علم

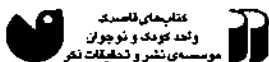
آشنایی با
ادیسون

آنا اسیرول
- صدیقه ابراهیمی -



کتاب‌های قاصدک
واحد کودک و نوجوان
نشر و تحقیقات ذکر





تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، خ محتشم، شماره ۲۰، طبقه اول، غربی
تلفن: ۶۶۴۱۰۰۳۱ • تلفکس: ۶۶۴۶۸۲۶۳ • صندوق پستی: ۱۶۱۶-۱۳۱۴۵
www.zekrpublishery.com
Email: info@zekrpublishery.com
Email: zekr_publishery@yahoo.com

آشنایی با ادیسون

آنا اسپرول

ترجمه‌ی صدیقه ابراهیمی

صفحه‌آرایی: کارگام گرافیک قاصدک (سیدمهدی مظلوم)

چاپ و صحافی: قدیانی

چاپ اول: ۱۳۹۱ • تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

کد: ۱/۴۷۱ • شابک: ۹-۵۰۱-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

کلیس، حقوق محفوظ است.

قیمت: ۲۱۰۰ تومان

سرشناسه: اسپرول، آنا، ۱۹۳۱-۱۹۲۲، Sproule, Anna

عنوان و نام پدیدآور: آشنایی با ادیسون / آنا اسپرول؛ ترجمه‌ی صدیقه ابراهیمی.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۲۲، ۲۷۵ × ۲۰، م.

فروست: مشاهیر علم، نوجوان و دانش

شابک: ۹-۵۰۱-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: ق.

یادداشت: عنوان اصلی: Thomas a. Edison: how electricity was...

موضوع: ادیسون، تامس آوا، ۱۹۳۱ - ۱۸۴۷ م - سرشناسه

موضوع: مخترعان - ایالات متحده - سرگذشتنامه - ادبیات نوجوانان.

شناسه افزودن: ابراهیم، صدیقه، ۱۳۱۶، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۴۷ الف ۴ / TK ۱۳۰

رده‌بندی دیویی: ۶۲۱/۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۱۲۱۳۰

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۸	زندگی و کار ادیسون
۵۹	سخن آخر
۶۱	تاریخچه‌ی علم

مقدمه

«تامس آلوآ ادیسون» شاید یکی از بزرگ‌ترین مخترعانی باشد که تاکنون زیسته‌اند. او تنها جهانی را که در آن می‌زیست تغییر نداد، بلکه اختراعاتش به ساختن جهانی کاملاً متفاوت کمک کرد: جهانی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم. گرامافون فقط یکی از کارهای اوست. اختراع دیگرش، نخستین دوربین موفق فیلم‌برداری، به همراه دستگاهی برای به نمایش درآوردن فیلم بود. ادیسون همچنین ساختار تلفنی را که «الکساندر گراهام بل» اختراع کرده بود، تغییر داد و آن را به دستگاهی با کیفیتی بسیار بهتر تبدیل کرد. او روی ماشین تحریر نیز کار کرد. از اختراعات دیگر او می‌توانیم به باتری نیکلی-آهنی، دستگاه الکتریکی ثبت آراء و ماشین گفته‌نگار (ادیفون) اشاره کنیم.

لامپ الکتریکی، مهم‌ترین دستاورد ادیسون بود. در واقع او با این

اختراع، تمدن را از عصر بخار به عصر الکتریسته منتقل کرد. مخترعان دیگر نیز همزمان با ادیسون روی طرح ساختن لامپ الکتریکی کار می‌کردند. «جوزف سوان»، دانشمند انگلیسی، یکی از آنها بود. سوان تقریباً همزمان با ادیسون موفق به ساختن فیلامان لامپ شد؛ اما ادیسون موفق‌تر از او بود و توانست این اختراع را تکمیل کند.

لامپ الکتریکی بدون الکتریسته کاربردی نداشت. بنابراین، ادیسون با ساختن دینام‌های قوی و طراحی مدار موازی، سیستمی کامل برای انتقال برق و ایجاد روشنایی به وجود آورد. بسیاری از مردم، ادیسون و افکار او را به تمسخر می‌گرفتند و دانشمندان، ایده‌های او را عملی نمی‌دانستند. آنها عقیده داشتند یک روستایی عقب‌مانده، از علم و فن چیزی نمی‌داند. اما ادیسون اهمیتی به آنها نمی‌داد. برای او تنها نتایج و دستاوردها مهم بودند. او معتقد بود که ساعت‌ها، روزها، هفته‌ها و حتی سال‌ها باید به آزمایش و تحقیق پرداخت تا به نتیجه‌ای رسید.

ادیسون با وجود معلومات خام و ناپرودهاش از عهده‌ی به ثمر رساندن فرضیه‌ها برمی‌آمد. او فقط دست به آزمایش و تحقیق می‌زد و اشتباه فرضیاتی را که دیگران به آن معتقد بودند، به اثبات می‌رساند. رقبای ادیسون، مرتب او را به ربودن اختراعاتشان متهم می‌کردند. در واقع، در آن روزگار بسیاری از دانشمندان روی طرح‌های مشابه تحقیق

می‌کردند. بنابراین، مشکل می‌توان گفت که این ادعاها تا چه حد درست بوده‌اند. در هر حال، در بسیاری از موارد اديسون قدمی جلوتر از بقیه بود.

مردم، اديسون را جادوگر می‌نامیدند؛ زیرا با دست‌های جادویی خود ورق قلع را به صدا و نخ را به روشنایی تبدیل کرد. در واقع، او از هر ماده‌ای برای تبدیل گذشته به آینده‌ای که اکنون از آن ماست، استفاده کرد.

www.ketab.ir

زندگی و کار ادیسون

تامس آلوآ ادیسون در شهر میلان واقع در ایالت اوهایو از ایالات متحده‌ی آمریکا چشم به جهان گشود. پدر و مادر او اهل کانادا بودند. پدرش به کار الوار سازی اشتغال داشت. مادرش زمانی که ادیسون را به دنیا می‌آورد، تقریباً ۴۰ ساله بود. او پیش از به دنیا آوردن ادیسون صاحب شش فرزند شده بود که سه تا از آن‌ها مرده بودند. هنگامی که «نانسی ادیسون» در سحرگاه یازدهم فوریه‌ی ۱۸۴۷ میلادی، هفتمین فرزندش، تامس آلوآ، را به دنیا می‌آورد، نگران بود که او هم زنده نماند. نوزاد، بسیار نحیف و ضعیف بود؛ اما سر بزرگی داشت. به هر حال، با وجود نگرانی مادر، کوچک‌ترین فرزند خانواده زنده ماند. خانواده‌اش او را تامس نامیدند. ضمناً پدرش، «سم»، به یاد یکی از دوستانش نام آلوآ را به نام او اضافه کرد. خانواده و دوستانش معمولاً او را «آل» صدا می‌زدند.